

Diplomatic Etiquette and Ceremonies in Ancient Iran from the Achaemenid Period to the End of the Sasanian Era

*Kosar Habibi*¹

*Seyed Mohammad Kazem Sajjadpour*²

Various societies have always been compelled to establish relations with others to protect their interests, and these relationships have been influenced by their social, cultural, political, economic, and scientific elements, which were prevalent in early civilizations such as Iran, India, China, and Egypt. Regarding the relations of the Achaemenids with the Greek city-states and the relations of the Parthians and Sasanians with Rome, beyond the battlefields, communication between the representatives of both sides took place in the form of diplomatic etiquette and ceremonies, which has been less addressed in Iranian studies and the history of Iranian diplomacy. Diplomatic etiquette and ceremonies are considered to be indicative of the level of culture and moral assets of countries, and given the importance of this issue, the research question posed in this study is as follows: What characteristics did diplomatic etiquette and ceremonies have from the beginning of the Achaemenid era to the end of the Sasanian period, and which of them have continued or undergone changes? The research method is also a combination of descriptive-analytical and comparative study methods. In the present study, the diplomatic etiquette and ceremonies of ancient Iran have been examined, and the basis of the work has been archaeological evidence, i.e., inscriptions and other written and oral sources. Accordingly, a collection of diplomatic etiquette and ceremonies has been compiled during the period under study, from the Achaemenid period to the end of the Sasanian period, and based on available sources, it was found that some of the etiquette existed and continued from the beginning in the ceremonial customs of Iranian courts, and some other etiquette gradually emerged or underwent changes for greater efficiency, and that the collection of these etiquettes and customs, and their persistence and dynamism, have shaped the diplomatic ceremonies of ancient Iran.

- **Keywords:**

Iran, Ancient Period, Achaemenid Period, Sasanian Period, Diplomatic Etiquette, Diplomatic Ceremonies.

¹. PhD Candidate of Iranian Studies, Shahid Beheshti University (Iranology Foundation), Tehran, Iran (Corresponding Author) kosarehabibi@gmail.com

². Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. sajjadpour@sir.ac.ir



آداب و تشریفات دیپلماتیک در ایران باستان از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی

کوثر حبیبی^۱

سید محمد کاظم سجادی پور^۲

چکیده

جوامع گوناگون همواره برای حفظ منافع خود ناگزیر از برقراری ارتباط با دیگران بوده‌اند و این روابط متأثر از عناصر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی آنها بوده که در تمدن‌های اولیه مانند ایران، هند، چین و مصر رواج داشته است. در باره روابط هخامنشیان با دولت‌شهرهای یونان و مناسبات اشکانیان و ساسانیان با روم، گذشته از میدین نبرد، ارتباطات بین نمایندگان طرفین در قالب تشریفات و آداب دیپلماتیک جریان داشت که در مطالعات ایران شناختی و تاریخیچه دیپلماسی ایرانی کمتر به آنها پرداخته شده است. تشریفات و آداب دیپلماتیک نشان‌دهنده سطح فرهنگ و دارایی اخلاقی کشورها به‌شمار می‌رود و نظر به اهمیت این موضوع، پرسش پژوهش حاضر بدین شرح مطرح می‌شود که: آداب و تشریفات دیپلماتیک از آغاز عصر هخامنشیان تا پایان دوران ساسانیان چه ویژگی‌هایی داشته و کدامیک از آنها تداوم یافته یا دستخوش دگرگونی شده‌اند؟ همچنین روش تحقیق ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه مقایسه‌ای است. در پژوهش حاضر، آداب و تشریفات دیپلماتیک ایران عصر باستان بررسی شده است و مبنای کار شواهد باستان‌شناسی یعنی کتیبه‌ها و سایر منابع مکتوب و شفاهی بوده است. بر این اساس، مجموعه‌ای از آداب تشریفات دیپلماتیک طی بازه زمانی مورد بررسی از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی گردآوری و بر اساس منابع قابل دسترس مشخص شد که برخی از آداب از آغاز در رسوم تشریفات دربارهای ایرانی وجود داشته و ادامه یافته‌اند و برخی دیگر از این آداب به تدریج پدید آمده و یا دچار دگرگونی‌هایی برای بازدهی بیشتر شده‌اند که مجموعه این آداب و رسوم و پایایی و پویایی آنها، تشریفات دیپلماتیک ایران دوره باستان را شکل داده‌اند.

واژگان کلیدی:

ایران، دوره باستان، دوره هخامنشی، دوره ساسانی، آداب دیپلماتیک، تشریفات دیپلماتیک.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

^۱ دانشجوی دکتری ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (بنیاد ایران‌شناسی)، تهران- ایران (نویسنده مسئول)

kosarehabibi@gmail.com

^۲ استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران- ایران sajjadpour@sir.ac.ir



مقدمه

بر پایه بررسی‌های تاریخی، انسان‌ها از گذشته تا به امروز با یکدیگر روابط سیاسی داشته و برای حفظ و تحکیم منافع و رسیدن به اهداف خود، ناگزیر از برقراری روابط متقابل با ملل دور و نزدیک بوده‌اند (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). مسائل مختلف سیاسی و تجاری که از بدیهی‌ترین نیازهای هر جامعه و کشور و دولتی است، ایجاب می‌کند که اقوام و ملل مختلف با یکدیگر مراوده داشته باشند و در همین مراودات است که ملل مختلف با علوم، فرهنگ، آداب و رسوم دیگران آشنا گردیده و متأثر از یکدیگر می‌شوند (نوایی، ۱۳۵۶: ۱۶-۱۵). دیپلماسی پیشینه‌ای به درازای تاریخ ملت‌ها و تشکیل اجتماعات بشری دارد (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸؛ گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۸۷) و نخست به معنای نوشته طومار یا تاشده‌ای بود که دارنده آن از امتیازات ویژه‌ای بهره‌مند می‌شد، سپس این کلمه به منشور یا سندی اطلاق گشت که به فرستادگان دولت‌ها داده می‌شد (مجتهدی، ۱۳۷۷: ۱۰۴؛ بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). همچنین دیپلماسی در معنای سنتی آن، تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها جریان می‌یابد. مجریان دیپلماسی سنتی از طریق رابطه با نمایندگان رسمی دولت‌های خارجی می‌کوشند تا منافع ملی کشور خود را که در چارچوب اهداف رسمی دولت متبوع‌شان در امور بین‌المللی صورت‌بندی شده است، تأمین کنند (آشنا و جعفری‌هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). ماهیت دیپلماسی قدیم یکسره فردی و شخصی بود و اغلب تمایلات شاه یا رئیس دولت و ویژگی‌های شخص دیپلمات از عوامل تعیین‌کننده در روابط بودند. دو وظیفه مهم دیپلمات‌ها در این دوره، مذاکره با طرف دیگر و ارسال اطلاعات به مرکز بوده است (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

زبان مرده اکدی نخستین زبان [نوشتاری] است که در دیپلماسی به کار رفته و از آن سندی برجای مانده است. این زبان، نوعی زبان میانجی در خاورمیانه بود تا آنکه زبان آرامی جایگزینش شد. باستان‌شناسان نخستین سند دیپلماتیک نوشته‌شده روی کتیبه‌ای سفالین را بدین زبان و با خط میخی پیدا کرده‌اند که قدمت آن به حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد (Kurbalija, 2021). مکاتبات سیاسی کشف‌شده در مصر، مربوط به قرن سیزدهم پیش از میلاد، بیانگر روابط دیپلماتیک گسترده فراعنه مصر با پادشاهان آسیای صغیر است که سنت اعزام و پذیرش نماینده در میان اقوام و ملل مختلف این منطقه جاری بوده است (گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

آداب و تشریفات دیپلماتیک در ایران باستان از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی □ ۵

از مهم‌ترین مباحث در بحث دیپلماسی، آداب و تشریفات دیپلماتیک است. طبق تعریف مرکز مدیریت آکسفورد^۱، آداب و تشریفات دیپلماتیک در باره دانش و مهارت ارتباط و همکاری با دیگران است و سبب‌ساز حصول اطمینان از اینکه رویدادها، دیدارها و مراسم رسمی و غیررسمی بر اساس سنن و رسوم اجتماعی و فرهنگی [طرفین] برنامه‌ریزی و انجام شوند. اگر در به جا آوردن این آداب و تشریفات کوتاهی شود، خطر تحقیر شدن دولت یا نهاد [مهمان/میزبان] و یا موجبات توهین و آزرده‌خاطر ساختن شدید [طرفین] فراهم می‌شود (<https://oxford-management.com>).

در حقیقت آداب و رسوم تشریفاتی بین دو کشور بیانگر فرهنگ و آداب و رسوم طرفین، سطح اجتماعی و توان اقتصادی و سیاسی آنان و میزان احترامی بوده که برای یکدیگر قائل می‌شدند. از این رو، بررسی و پژوهش در زمینه این آداب و رسوم می‌تواند روشن‌کننده این موارد در کشورهای مورد نظر و از جمله ایران باشد. از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی در ایران، دوران باستان است که کشور ایران برای بیش از یک‌هزاره همواره ابرقدرتی جهانی، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز در بخش‌های شناخته‌شده جهان آن روزگار بوده است و در نتیجه ناگزیر از گفتگو و تبادل مستمر با دیگر سرزمین‌ها یا فرمانروایان کشورهای تحت حوزه امپراطوری خود بود که این امر از طریق تبادل سفرا و فرستادگان آنها انجام می‌شد. بنا بر این، بسیار مهم است که آداب و تشریفات دیپلماتیک که در طول این زمان پدید آمده، پایدار شده و یا دستخوش دگرگونی و بهبود شده‌اند، بررسی شود. چرا که از خلال آن، شناخت بهتری از آداب و سنن و نیز سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باستان به دست می‌آید. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که آداب و تشریفات دیپلماتیک از آغاز عصر هخامنشیان تا پایان دوران ساسانیان چه ویژگی‌هایی داشته و کدامیک از آنها تداوم یافته و یا دستخوش دگرگونی شده‌اند؟ برای پاسخ به پرسش مطرح شده در این پژوهش سعی شد که از منابع تاریخی قابل دسترس استفاده شود. مدارک و مستندات فراوانی از وجود روابط گسترده دربار هخامنشی با کشورهای تحت فرمان یا دیگر کشورها خبر می‌دهند که به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: نخست شواهد باستان‌شناسی است که در اینجا عمدتاً سنگ‌نگاره‌ها و کتیبه‌ها دوم شواهد غیر باستان‌شناسی در دو دسته منابع مکتوب و شفاهی؛ همچون دست‌نوشته‌های مورخین دوران باستان، آیین‌نامه‌ها، تاج‌نامه‌ها، خدای‌نامه‌ها، کارنامه‌ها، گاه‌نامه‌ها، سروده‌های اساطیری و افسانه‌ها هستند که بیشتر منابع شفاهی در عصر ساسانی و اوایل دوره اسلامی مکتوب شدند و سرآمدشان شاهنامه فردوسی است.

¹. Oxford Management Centre

پیشینه پژوهش

تشریفات و آداب درباری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و نشان‌دهنده سطح فرهنگ، قدرت سیاسی و اقتصادی و وضع اجتماعی حاکم بر دوران باستان بوده‌اند. آداب و تشریفات درباری ایران باستان که ابرقدرتی جهانی برای بیش از هزار و چند صد سال در جهان شناخته شده آن روز بود، با وجود اهمیت بالای خود به آن شکلی که باید مورد کندوکاو قرار نگرفته است و به صورت محدود در کتاب‌ها و نوشتارهای راجع به دوران ایران باستان در کنار دیگر مسائل به آنها نیز اشاره شده است، برای نمونه، آرتور کریستنسن (۱۳۱۴) در کتاب *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان* در بخشی از کتاب خود به تشریفات، آداب و خصوصیات فرستاده و نمایندگان حکومت در دوره ساسانی پرداخته است. سید رسول موسوی حاجی و سرور خراشادی (۱۳۸۹) پژوهشی در باره مناصب درباری عهد ساسانی با استناد به منابع تاریخی و شواهد کتیبه‌ای انجام داده‌اند که در آن اثر به دست‌اندرکاران امور تشریفات نیز پرداخته‌اند. مرتضی منشادی و وحید بهرامی نیز در مقاله‌ای با عنوان «آداب سفارت و آئین مذاکره در شاهنامه» به این موضوع اشاره کرده‌اند. اما عمده توجه آنان به خصوصیات سفیر و چگونگی رفتار و کردار او بوده است. از مهم‌ترین منابع این پژوهش، کتاب شاه و دربار در ایران باستان از لوید لولین جونز (۱۳۹۴) است که بسیاری از آداب و تشریفات دیپلماتیک دوران هخامنشی را مطرح کرده است. آثار پژوهشی تاریخی فراوانی نوشته شده‌اند که در میان مطالب آنها می‌توان مواردی را نیز در خصوص آداب و تشریفات دیپلماتیک پیدا کرد، اما پژوهشی که به صورت جداگانه و جامع به بررسی عناصر ایرانی تشریفات دیپلماتیک در دربارهای ایران پیش از اسلام بپردازد، یافت نشد و بر همین مبنا در نظر گرفته شد تا کار تخصصی بر این موضوع انجام شود.

آداب و تشریفات درباری دوران باستان بر پایه کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌ها

برخی از مهم‌ترین کتیبه‌های داریوش شاه و خشایارشا که در آن از اقوام و کشورهای تابعه هخامنشیان و مردمان گوناگونی که با این شاهنشاهی در ارتباط بوده‌اند، نام برده شده است، عبارتند از کتیبه DNa: کتیبه بالای مقبره داریوش در نقش رستم (داریوش شاه در این کتیبه پس از ستایش اهوره مزدا، نام مردمی را که باج‌گزار وی بوده‌اند و او بر ایشان حکومت می‌کرده است را نام می‌برد) (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۶۲-۲۶۱). کتیبه DNe: کتیبه‌ای که نژاد مردمانی که تخت داریوش را از زیر نگه داشته‌اند را بیان می‌کند (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۷۰-

۲۶۹). کتیبه DSe: کتیبه داریوش در کاخ شوش که باز هم نام اقوام و کشورهای تابعه داریوش برده می‌شود (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۷۸). کتیبه DSf: کتیبه‌ای دیگر در کاخ شوش که مرتبط با نام ملت‌های گوناگونی است که مواد گوناگون برای ساخت و آرایش این کاخ را فراهم کردند و یا در ساخت قصر مشارکت داشته‌اند (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۸۴-۲۸۲). کتیبه XPa: کتیبه دروازه ملل (دروازه همه کشورها) که موضوع اصلی آن ساختن رواق به دست خشایارشا است (دروازه ورودی اصلی نمایندگان کشورها و مردم وابسته به دربار ایران، نوعی دالان انتظار) (لوکوک، ۱۳۸۹: ۳۰۲-۳۰۱). کتیبه XPh: لوح سنگی مشهور به دیوان؛ نگاشته به فرمان خشایار شاه که بخشی از آن مرتبط با مردم فرمانبر و باج‌گزار شاه است (لوکوک، ۱۳۸۹: ۳۰۹). در همه این کتیبه‌ها، موضوع مشترک گوناگونی مردم سرزمین‌های مختلف حاضر در کاخ و فرستادگان آنها است که به درگاه پادشاه بزرگ ایران می‌رسیده‌اند. علاوه بر کتیبه‌ها، بر بسیاری از دیوارهای تخت‌جمشید، تصاویری از فرستادگان به دربار نقش شده که اکثراً با خود پیشکشی به همراه دارند. لباس این فرستادگان متفاوت از یکدیگر و نشان‌دهنده خاستگاه جغرافیایی آنان است و از مهم‌ترین‌شان سنگ‌نگاره پیشکش‌آوران بر بدنه پلکان کاخ آپادانا است.

نظام چاپار و کارایی آن در پیام‌رسانی‌های رسمی

سیستم پیام‌رسانی ابداعی هخامنشیان و راه‌هایی که بدین منظور در سراسر شاهنشاهی کشیده شده بود، باید نقشی مهم در رد و بدل کردن نه‌تنها پیام‌ها که در اعزام هیأت‌ها و نمایندگان ایفاء کرده باشد. گزنفون مورخ یونانی در باره شیوه پیام‌رسانی ایرانی‌ها در دوره کوروش هخامنشی (۵۳۰-۵۹۹ ق.م.) گفته که این یکی دیگر از روش‌هایی است که کوروش برای مدیریت قلمروی گسترده خود به کار می‌برد. با این روش نظام‌مند، وی به سرعت هر چه تمام‌تر از اوضاع جاری در مملکت خود، هر چه هم که از محل اقامت وی دور باشند، خبردار می‌شود. کوروش نخست تخمین می‌زند که یک اسب در یک روز چه مسیری را می‌تواند بپیماید، بدون آنکه آسیبی بدو وارد شود، سپس چاپارخانه‌هایی را در این فواصل معین برپا می‌کند که در آنها اسبانی تازه‌نفس و مردانی برای نگهداری از آنها ساکن بوده‌اند و همچنین در هر چاپارخانه مقامی رسمی را می‌گمارد که نامه‌های رسیده را دریافت کرده و به مقصد بعدی رهسپار سازد، سواران و اسب‌های خسته را پناه داده و اسب و سوار تازه‌نفس راهی نماید. گفته می‌شود این روش شتابمند پیام‌رسانی گاهی شب‌ها نیز در جریان است، به صورتی

که پیک‌ها و اسب‌های تازه‌نفس شبانه در چند نوبت جایگزین دسته روزانه می‌شوند و در چنین حالتی پیام مورد نظر زودتر از پرواز پرنندگان به مقصد خواهد رسید (Xen. *Cyrop.*, 8.6.17).

دربار شاهان هخامنشی و اشکانی

باید گفت هخامنشیان به نوبه خود برای بنای هویتی درباری‌شان، به خصوص در عرصه هنر و معماری، الگوهایی از دربار حکومت‌های قدیمی در نزدیک خود گرفته و با هم درآمیختند و درباری را آفریدند که می‌شد آن را هخامنشی توصیف کرد. گرچه ایرانیان پیش‌تر نیز شیوه توسعه دربار را داشته‌اند؛ مانند مادها که سنت درباری شمالی ملهم از آشور در دربارشان رواج داشت و همین سنت مادی پیش از کوروش به قلمرو درونی پارس‌ها راه یافته بود و رسوم دربار پارس‌ها در پادشاهی انشان و به خصوص دربار پیشرفته نوعیلامی در شوش که تأثیری ویژه در هویت انشان داشت (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱). اما همانگونه که هخامنشیان از دربارهای قدیمی‌تر خاور نزدیک الهام گرفتند، ساختار کاملاً مترقی دربار آنان نیز در امپراتوری‌های بعدی تأثیر گذاشت. اسکندر پس از پیروزی بر داریوش سوم با اشتیاق، آئین‌ها و ساختارهای درباری هخامنشی را اقتباس کرد و برخی از آن ساختارها از طریق شاهان سلوکی وارد جهان یونانی شدند. با توجه به طولانی بودن دوران تأثیرگذاری دربار هخامنشی (در حدود دو قرن پادشاهی بر اقوام دور و نزدیک)، بسیاری از عناصر اساسی آئینی و نمایشی دربار هخامنشی در بسیاری از امور مهم درباری روم و بیزانس همچنان دیده می‌شد و در داخل خود ایران، نفوذ هخامنشی بر آئین‌های سلطنتی، جنبه‌های نمایشی سلطنت منجمله عناصر معماری کاخ و جهان‌بینی شاهنشاهی تا دوران ساسانی (قرون سوم تا هفتم میلادی) برجای ماند و در حقیقت در دربارهای صفوی و قاجار و پهلوی (در قرون شانزدهم تا بیستم میلادی) نیز هنوز قابل احساس بود (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲).

در باره شاهان اشکانی نیز با آنکه اطلاعات کمی از آنان در دست است، اما می‌دانیم که روابط گسترده‌ای با همسایگان خود، به خصوص دربار روم داشتند و مدام از طریق رد و بدل کردن فرستادگان با یکدیگر در ارتباط بودند. برای نمونه می‌توان به فرستادگان بین بلاش اشکانی و نرون در جریان درگیری‌های شدید اشکانیان و رومی‌ها بر سر ارمنستان، طی سال‌های ۶۲-۶۶ م. اشاره داشت که در نهایت این رفت و آمد دیپلماتیک به پیشنهاد صلح جویانه‌ای منجر شد که طی آن اشکانیان یکی از افراد خاندان پادشاهی خود را بر تخت سلطنت ارمنستان نشانده و عملاً نظارت خویش را بر آن سرزمین حفظ کردند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۰۴).

مقامات دست‌اندرکار تشریفات در دربارهای ایران باستان

شاهنامه فردوسی در ابیات مختلفی به تشریفات درباری شاهان اساطیری ایران، یعنی پیشدادیان و کیانیان^۱ پیش از حمله اسکندر اشاره می‌کند که این ابیات می‌توانند به شناخت بهتری از دربار دوره‌های پیش‌ساسانی کمک کنند. از رسوم کهن و مشترکی که در تمام ابیات دارای محتوای تشریفاتی به چشم می‌خورد، رسم داشتن پرده‌دار برای بار یافتن به نزد شاه بوده است؛ یعنی شاه حتی از دیده درباریان خود نیز دور بوده و جز اندک مقربان درگاه، کسی قادر به ملاقات با شاه مگر به اذن خود او نبوده است. وظیفه پرده‌دار در این میان، اعلام نام متقاضیان بار یافتن و رخصت گرفتن برای آوردن آنان نزد شاه بوده است.

از دیگر موارد مشترک، رسم نماز بردن (تعظیم) و سجده کردن در پای تخت شاه به هنگام بار یافتن و بوسه دادن زمین بوده است. از جمله اشعاری که به این رسوم اشاره دارند، عبارتند از: بار یافتن نماینده تور و سلم نزد فریدون شاه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۱۲/۱-۱۱۱)، آمدن سین‌دخت نزد سام نریمان (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۹)، آغاز داستان بیژن و منیژه و بار یافتن ارمانیان نزد شاه کیخسرو (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳۰۶/۳)، گفتار اندر پیغام فرستادن قیصر روم نزد لهراسپ (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹) که در این اشعار، فردوسی از مسئولین بار با دو عنوان "پرده‌دار" و "سالاربار" یاد کرده است.

در زمان هخامنشیان، امور داخلی دربار تحت نظارت مقام قدرتمندی بود که هزاراپاتیش (هزاربُد یا رئیس هزاره) نامیده می‌شد و به نظر می‌آید که فرمانده گارد سلطنتی و همه عناصر امنیتی دربار بوده و از اعتماد کامل فرمانروا برخوردار بود و مهم‌تر آنکه از طریق مراسم باریابی به دسترسی به شخص شاه نظارت داشته است (لولین‌جونز، ۱۳۹۴: ۸۸). شکوه شاهنشاه مستلزم رعایت دقیق سلسله مراتب در هر زمان بوده و بسیار محتمل است که فرمانده هزاربُد سلطنتی نقش نوعی «رئیس تشریفات» را برعهده داشته و مسئول تنظیم سلسله مراتب مراسم گوناگون بوده است (لولین‌جونز، ۱۳۹۴: ۱۰۹). یکی از نقش‌های اصلی هزاربُد در تشریفات درباری این بود که افراد یا هیأت‌های نمایندگی را به حضور شاه معرفی کند. او به جلو خم شده و دستش را به سوی دهانش بلند کرده و حرکتی مانند سلام یا درود رسمی به‌جا می‌آورد؛ رسمی که بعدها در دربارهای اسلامی مرسوم شد (لولین‌جونز، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۳). در دربار شاهان ساسانی که خود را جانشینان خلف هخامنشیان دانسته

^۱ برخی به دلیل اشاره نکردن به شاهان ماد و هخامنشی در شاهنامه، پیشدادیان و کیانیان را برابر با شاهان ماد و هخامنشی در نظر گرفته‌اند.

و سعی در زنده کردن رسوم آنان داشتند، نیز دیوان/ایران درید از دیوان‌های بسیار مهم ساسانیان بود که به تعبیر امروزی وزارت دربار شاهنشاهی نامیده می‌شود (موسوی‌حاجی و خراشادی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

رسم پرده‌نشینی، دوری‌گزینی و پوشاندن چهره از زیردستان

پادشاهان ساسانی از اردشیر تا یزدگرد در پس پرده قرار می‌گرفتند و در این میان، واسطه دیدار شاه و ملاقات‌کنندگان شخصی با منصب خرم‌باش بوده که جایگاه ویژه‌ای داشته و باید که بزرگ‌زاده باشد و از کارهای او یکی آن بود که نام و کار کسانی را که بار می‌یافتند، اعلام بدارد. در بد از دیگر بلندپایگان دربار شاهنشاهی بود که کار پیام‌رسانی به شهریار و پیام بردن از شهریار را برعهده داشت. دیگری پرده‌دار بود که زیردست در بد در ایوان یا جای دیگر گمارده بر پرده شاهنشاهی بود تا کسانی را که بار می‌یافتند، به حضور شاهنشاه درون پرده یا به بیرون همراهی نماید (موسوی‌حاجی و خراشادی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۸۹). البته برخی خرم‌باش را همان پرده‌دار دانسته‌اند؛ «هنگامی که خرم‌باش (موکل پرده‌دار شاه) پرده را برمی‌داشت، نام و حاجت کسی که بار می‌جست را اعلام می‌کرد و شاه اجازه بار می‌داد. مرد از آستین خویش دستارچه‌ای سفید و پاکیزه برآورده و پیش دهان خویش می‌بست تا فرّ کیانی را با نفسش آلوده نسازد. سپس داخل شده و به دیدار شاه به خاک می‌افتاد و نماز می‌برد و همچنان می‌ماند تا شاه او را فرمان دهد که از خاک برخیزد، آنگاه او برخواست و تعظیم می‌کرد و سلام به جای می‌آورد» (کریستنسن، ۱۳۱۴: ۱۴۸)، «از دوران اردشیر همه شاهان ایران از ندیمان روی نهان داشتند و مابین شاه و طبقه اول بیست ذراع فاصله بود، زیرا پرده‌ای که جلوی شاه بود، با شاه ده ذراع و تا طبقه اول نیز ده ذراع فاصله داشت. پرده‌دار یک اسواران‌زاده بود که او را خرم‌باش می‌گفتند و چون او می‌مرد، یک اسواران‌زاده دیگر را که تربیت‌یافته بود، به پرده‌داری می‌گماشتند و بدین نام می‌خواندند و هر که به رتبه پرده‌داری می‌رسید و این مقام می‌یافت، نام خرم‌باش داشت» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/۲۴۱).

اهمیت داشتن پرده‌دار و پوشانیدن دهان در برابر شاه برای آلوده نساختن فضا و سجده کردن برای شاه چنان بود که حتی برای شاه در بند کشیده شده‌ای چون خسرو پرویز هم پاس داشته می‌شد. هنگامی که شیرویه پسر خسرو پرویز فرستاده‌ای را به زندان می‌فرستد تا پرسش‌هایی را از پدر بپرسد و پاسخ آورد، در همانجا نیز خسرو پرویز پرده‌دار دارد و اوست که از خسرو اجازه بار برای فرستاده می‌خواهد و فرستاده دستمال سفید پاکیزه‌ای از

آستین بیرون آورده و بر چهره خویش می‌بندد و نزد خسرو آمده و به خاک افتاده و سجده می‌برد تا خسرو به او اجازه برخاستن و سخن گفتن دهد (طبری، ۱۳۷۵: ۷۷۱/۲). در باب فرستادن نماینده از سوی عمر به اصفهان به‌عنوان عامل جنگ، چنین آمده است که: «عمر، مغیره بن شعبه را نزد شاه اصفهان که ذوالحاجب نام داشت، فرستاد. وی به مغیره اجازه داد بار یابد که او نیزه و سپر به همراه داشت و در حالی که دو نفر از ایرانیان دو بازوی او را گرفته و به سوی شاه راهنمایی می‌کردند، با نیزه به فرش‌ها می‌زد که فال بد زنند» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۶۶/۵). گرفتن بازوی شخص باریافته به دست دو نفر از بزرگان و راهنمایی فرد مزبور نزد شاه از جمله رسومی است که با قدرت تمام در ایران پس از اسلام و به خصوص در دربار صفوی به حیات خود ادامه داد (حبیبی، ۱۳۹۶: ۳۷۷-۳۷۴).

این رسم پرده‌نشینی و دوری‌گزینی شاه حتی از نزدیکان خود، علاوه بر دلیلی مهم چون افزودن شکوه و راز وجود شاهی و جدا کردن وی از انسان‌های معمولی، باید دلایل امنیتی نیز داشته باشد. برای مثال در دربار هخامنشی از تشریفات درباری، پوشیدن کاندیز^۱ در هنگام بار یافتن نزد شاه بود که معمولاً شخص پوشنده، آن را بر دوشش انداخته و آستین‌ها در دو طرف آویزان می‌شد و دیدارکننده باید بازوهایش را در آستین‌ها می‌کرد. اما پارچه اضافی را به حال خود می‌گذاشت تا روی دستهایش را پوشانده و بدین ترتیب نشان دهد که دست‌هایش بی‌خطر هستند، زیرا نمی‌توانند که سلاحی به کف بگیرند. کوتاهی در انجام این کار، اهانت به پادشاه و نماینده‌اش شمرده می‌شد، تا جایی که کوروش صغیر با چنین دستاویزی دو نفر از خویشاوندان قدرتمند و دردسرافزین خود را اعدام کرد (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۹). گزنفون در باره آداب نشستن نزد شاه گفته است که: «در دوران کوروش بزرگ، هنگامی که مهمانان برای شام می‌آمدند، جایگاه آنان بر اساس احترامی که برایشان قایل بودند، تعیین می‌شد و آنکه گرمی‌ترین بود، در سمت چپ شاه و نفر دوم در سمت راست شاه و نفر سوم در سمت چپ نفر اول و نفر چهارم در سمت راست نفر دوم و به همین ترتیب افراد قرار داده می‌شدند؛ زیرا سمت چپ شاه بیش از سمت راست وی در معرض خطر و خیانت بود. کوروش با دادن جایگاه برتر به فرد مورد نظرش، به خوبی نشان می‌داد که در حال حاضر چه کسی بیشتر مورد لطف او قرار دارد و این امر سبب ایجاد رقابت و انجام کارهای مد نظر شاه می‌شد. زیرا شاه این امکان را فراهم کرده بود که بر اساس کارها و پیشرفت‌های هر فرد، جایگاه او را نزدیک‌تر به خود قرار دهد» (Xen. *The education of Cyrus*. 8.4. 254).

۱. نیم‌تنه آستین‌دار

شایان ذکر است که رسم پنهان بودن چهره شاه حتی از نزدیکان درباری خود، رسمی بسیار کهن است. گفته شده که هرودوت در کتاب خود، دیاکو پادشاه ماد را نخستین کسی دانسته که در این راستا مقررات و تشریفات را وضع کرد و از جمله آن مقررات این بود که: «هیچکس حق نداشت مستقیماً با شاه تماس بگیرد ... علت این کار دیاکو آن بود تا کسانی که پیش تر هم سن و سال و هم سفره غذای او بوده و از حیث اصالت و شایستگی خانوادگی خود را کمتر از وی نمی دانستند، او را زیاد نبینند تا احساسات و شک و حسدشان به جوش آید و بر ضد او توطئه‌ای ترتیب دهند. چه، اگر مدتی او را نمی دیدند، کم کم او را موجودی غیر از خود می دانستند» (ایمان پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲). اگر چه امروزه یافته‌ها نشان می دهند که دور از دسترس بودن شاهان، رسمی کهن تر و رایج در میان شاهان آن خطه همچون آشوریان بوده است و زبردستان پادشاهان آشوری برای دیدن شاه و نگریستن وی به چهره زبردستانشان التماس می کرده‌اند؛ دیدار شاهان شرق همواره سخت و دستیابی به آنان مشکل بوده است. البته هرودوت با وجود نسبت دادن نادرست ابداع این رسم به مادها، دلیل چنین سیاستی را به خوبی درک کرده است؛ آنکه شاه تصمیم گرفت برای اشراف قابل دستیابی نباشد تا جایگاه سلطنت در جامعه بالا برود. در حقیقت پادشاهان خاورمیانه‌ای از دوران باستان و حتی تا به امروز حضور مدنی خود را به دقت جیره‌بندی می کرده‌اند تا از تصویر خود نزد عامه در برابر هر تخریبی محافظت کرده و بر ماهیت پرشکوه و رمزآلود خود بیافزایند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۲).

پیشکش‌ها و هدایا برای شاهان

از رسوم دیگر تشریفات در شاهنامه فردوسی، آوردن پیشکش برای شاه بود که در ابیاتی مانند ابیات مرتبط با آمدن سین‌دخت نزد سام نریمان و پیشکشی آوردنش در هنگام باریابی نمایان است (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۹/۱). پیش تر به رسم آوردن پیشکش‌های فراوان به دربار هخامنشیان که در سنگ‌نگاره‌های کاخ آپادانا به تصویر درآمده، اشاره شد. در واقع اقامتگاه سلطنتی امپراتوری شاهد رفت‌وآمدهای دائمی هیأت‌های سیاسی بود، ساتراپ‌ها و مقامات ایرانی، همچنین سفیران و فرستادگان بیگانه بالقوه می توانستند اجازه باریابی به حضور شاه بزرگ را بگیرند، به شرط آنکه پیشکش‌ها یا هدایای لازم را همراه می آوردند. راه‌پله‌های آپادانا در پارسه، تقدیم پیشکش‌های دیپلماتیک را در مقیاس امپراتوری نشان می دهند که به ما

هشدار می‌دهد که مراسم درباری فقط بر صحنه آوردن اقدامی برای تماشاگران داخلی نبود، بلکه مخاطبانش شامل بیرونی‌ها نیز بودند.^۱ (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۰۹)

در باب پیشکش یا باج آوردن به دربار شاهان اساطیری ایران در منابع تاریخی مطالب مختلفی آورده شده است و از آن جمله‌اند: «برخی اهل خبر و مطلعان امور سلف گفته‌اند که کی‌لهراسب با مردم مملکت خویش روش پسندیده داشت ... و شاهان روم و مغرب و هند و جاهای دیگر هر سال باج به او می‌دادند و در نامه‌ها حرمت وی می‌داشتند و او را شاه شاهان می‌خواندند که از شوکت وی بیمناک بودند» (طبری، ۱۳۷۵: ۴۵۶/۲).

همچنین در منابع تاریخی به آمدن فرستادگان از کشورهای مختلف به دربار ساسانی و آوردن پیشکش‌ها و هدایای فراوان نیز اشاره شده و از جمله مسعودی می‌نویسد: «آنگاه انوشیروان به عراق رفت و فرستادگان و هیأت‌های ممالک دیگر با هدایا به دربار وی آمدند. از جمله کسانی که به دربار آمده بودند، فرستاده قیصر پادشاه روم بود که هدیه‌ها و تحفه‌ها همراه داشت... خاقان پادشاه ترک، دختر و دخترزاده خویش را به زنی انوشیروان داد و ملوک سند و هند و شمال و جنوب و ممالک دیگر از بیم صولت و کثرت سپاه و وسعت مملکتش و آن رفتار که با ممالک دیگر داشته بود و پادشاهان کشته بود و پیروی عدالت می‌کرد، با او به صلح آمدند و هدیه‌ها فرستادند و هیأت‌ها روانه کردند. منجمله شاه چین و شاه هند که در نامه‌هایی شرح هدایای خود را نیز بدو نوشتند... هنگامی که انوشیروان در لشکرگاه به جنگ با یکی از دشمنان بود، نامه پادشاه تبت و هدایایش بدو رسید (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۶۱/۱-۲۵۹).

خلعتی و هدیه دادن از جانب شاه و بزرگان به زبردستان

فرستادن هدیه و خلعتی از جانب شاه به میهمانان و زبردستان خود نیز از دیگر موارد مهم است که بدان اشاره شده است. مانند: «گفتار اندر رفتن سیاوخش از ایران زمین به ترکستان» و «فرستادن هدایای فراوان از سوی افراسیاب به سیاوش» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۸۹/۲-۲۸۶) و گفتار «اندر پیغام فرستادن قیصر روم نزد لهراسپ» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹). نوع معمول هدایا در دوران کوروش صغیر اسبی با دهنه طلا، گردنبندی طلا، دستبند طلا و شمشیری زرین و ردایی پارسی بود (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۹۰). در دوران هخامنشی، جشن سال نو زمان تشریفات خلعت دادن بود که مجلل‌ترین نمایش هدیه دادن

^۱. تئوپومپوس مورخ دوران باستان در باره هدایای فراوانی که از گوشه و کنار دنیا توسط فرستادگان به دربار شاهان هخامنشی سرازیر می‌شده، سخن گفته است (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۳۲۰-۳۲۱).

سلطنتی محسوب می‌شد. منابع یونانی حاکی از آنند که به‌ویژه نیم‌تنه سواری آستین‌دار به‌عنوان هدیه‌ای شاهانه ارزشمند بود و رنگ و تزئینات نیم‌تنه بازتاب درجه و موقعیت بود؛ چه، نه همه رداها برابر بودند و نه دریافت‌کنندگانشان. شاه بزرگ در مقام ابراز لطف شخصی یا برای خدماتی که به مقام سلطنت شده بود، اغلب به ساتراپ‌ها، مقام‌های نظامی و درباریان لباس هدیه می‌کرد و با توجه به اینکه تشریفات اهدای رداء به طور علنی در دربار برگزار می‌شد و یا در مورد آنهایی که در دربار حضور نداشتند، رداء در مراسمی علنی در ایالات دریافت می‌شد، این عمل به حفظ وفاداری درباریان کمک می‌کرد؛ حتی شهرها نیز می‌توانستند به افتخار دریافت رداء نائل شوند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۴۴). اعطای رداء از سوی یک مافوق، به خصوص فرمانروا به یک زیردست، به نشانه لطفی ویژه و به عنوان آئینی برای جلوس در خاور نزدیک سوابقی دیرینه داشت. در ایران این رسم را می‌توان بدون انقطاع از دوران باستان تا اواخر قرن بیستم میلادی ردیابی کرد. پس از اسلام به سنت اعطای رداء، خلعت دادن گفته شد (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۳).

نامه نوشتن برای بزرگان

از دیگر رسومی که فردوسی ذکر کرده، رسم نوشتن نامه است بر حریر و معطر کردن آن به مشک و عنبر و گلاب تا در خور مقام بزرگان باشد که از جمله اشعار شاهنامه در بخش «گفتار اندر نامه نبشتن سیاوخش به نزدیک پدر» هست (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲/۲۴۵). از این رسم در چند جای منظومه ویس و رامین نیز یاد شده است؛ منجمله در باب آمدن زرد^۱ پیش شهرو^۲ به رسولی (گرگانی، [ابی تا]: ۴۶) و نامه نوشتن ویس به رامین (گرگانی، [ابی تا]: ۳۴۶).

مسعودی نیز در خصوص نامه‌ای که شاه هند به انوشیروان نوشته است، چنین آورده که این نامه را به طلای سرخ بر پوست درخت معروف به کاذی نوشته بودند. این درخت به دیار هند و چین یافت شود و از گیاهان عجیب است که رنگ نیکو و بوی خوش دارد و پوست آن از کاغذ چینی نازک‌تر است و ملوک چین و هند نامه بر آن نویسند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۱).

^۱. برادر موبد، پادشاه مرو و خواستگار ویس

^۲. فرمانروای ماه‌آباد و مادر ویس

آداب بار عام شاهی

از دیگر رسوم ذکر شده در شاهنامه، آداب بار عام برای خود شاهان است؛ مانند بر تخت نشستن و تاج بر سر نهادن شاه در باریابی فرستادگان و حضور بزرگزادگان دربار در مراسم باریابی. برای نمونه می‌توان بخش «گفتار اندر پیغام فرستادن قیصر روم نزد لهراسپ و چگونگی حضور شاه در آن مراسم» را مثال زد (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹). نمایش باریابی‌ها به حضور شاهان هخامنشی به شکل تعداد زیادی تصاویر حک‌شده بر مهر و سنگ‌های گران‌بها، نقش رنگ‌آمیزی شده کوچکی بر تابوتی سنگی و از حکاکی یادواره‌ای بر چارچوب‌های آپادانا در پارسه به دست آمده است. ظریف‌ترین نمونه‌ها دو نقش برجسته سنگی بزرگ در دو پلکان آپادانای پارسه بود که شاه بزرگ را در حال بار عام نشان می‌دهند که ردای درباری در بر دارد، با تاج و غنچه نیلوفر آبی^۱ و عصای شاهی به دست ... و به منظور «تأکید بر خصوصیت تغییرناپذیر سلطنت»، ولیعهد او را همراهی می‌کند که لباسی همانند شاه در بر دارد و او نیز از حق در دست داشتن نیلوفر برخوردار است و همچنین اعضای بلندپایه دربار و ارتش حضور دارند. دو جام کندرسوز مرز فاصله شاه را مشخص و بر تقدس او تأکید می‌کنند^۲، همچنان که سکوی شاه‌نشین که تخت سلطنت به روی آن جای گرفته و سایبانی که صحنه را پوشانده، همین نقش را دارند... منظور از ساز و برگ نمایشی تالار، تاج و تخت و چیدمان پرهیبت آپادانا این بود که در حاجتمندان ترس و شگفتی القاء کند. به علاوه شکل و هیبت خود شاه، نقش اول نمایش دربار می‌بایست بسیار تأثیرگذار و با هیمنه بوده باشد (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۵۲-۱۵۱). «و چنان بود که کسری (خسرو انوشیروان) در ایوان خویش می‌نشست که تاج در آن بود و تاج چون ظرفی بزرگ بود که یاقوت و زمرد و مروارید و طلا و نقره در آن به کار رفته بود و با زنجیر طلا به طاق آویخته بود که گردن وی تحمل آن نداشت و تاج به جامه‌ها پوشیده بود و چون کسری به جای خود می‌نشست، سر را داخل تاج می‌کرد و چون قرار می‌گرفت، جامه از تاج برمی‌گرفت و هر که او را می‌دید و از پیش ندیده بود، از هیبت وی به خاک می‌افتاد» (طبری، ۱۳۷۵: ۶۸۹/۲).

^۱ برخی آن را گل انار دانسته‌اند (درویشی و نریمانی، ۱۴۰۱).

^۲ برای تطهیر هوای حدّ فاصل شاه و دیگران

به پیشباز مهمانان رفتن

از دیگر رسوم مندرج در شاهنامه، استقبال از بزرگزادگان در بیرون از شهر و نیز استقبال مردم در شهرها از مهمانان و برپایی مجالس بزم و سرگرمی برای مهمان بوده است که در بخشی مانند: «گفتار اندر رفتن سیاوخش از ایران زمین به ترکستان» آمده و در آن از استقبال مردم از سیاوش در راه، به پیشباز آمدن پیران و پسه با هدایای فراوان در خارج از شهر و پیاده آمدن افراسیاب به استقبال سیاوش در کاخ سخن به میان آمده است. رسم دیگر، بردن مهمان بر سر خوان نعمت بزرگان و استقبال شایسته و برپایی مجلس بزم برای او و بردن مهمان به میدان بازی یا شکار به منظور ایجاد خوشی برای مهمان بود (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۸۹/۲-۲۸۶، ۲۸۳/۲-۲۸۱). در منظومه ویس و رامین نیز به این رسوم پذیرایی و بزم اشاره شده است (گرگانی، [بی تا]: ۳۱۷).

آراستن و پیرایش کاخ و محل بار عام

از دیگر رسوم می توان به آراستن هر چه بیشتر کاخ و آوردن حیوانات باشکوه به کاخ یا محوطه آن اشاره کرد. حیواناتی چون فیل، شیر و ببر و همچنین پوشاندن جامه زربفت یا وسایل گوهرنشان بر بدن حیواناتی مانند فیل و اسب از دیگر رسوم رایج آن دوره برای نشان دادن شکوه و جبروت دربار و یا احترام گذاشتن به میهمان بود. برای نمونه می توان به بار یافتن نماینده تور و سلم نزد فریدون شاه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۱۲/۱-۱۱۱) و گفتار «اندر رفتن سیاوخش از ایران زمین به ترکستان» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۸۳/۲-۲۸۱) اشاره داشت.

آراستن و پیرایش کاخ و محل بار عام

از دیگر رسوم می توان به آراستن هر چه بیشتر کاخ و آوردن حیوانات باشکوه به کاخ یا محوطه آن اشاره کرد. حیواناتی چون فیل و شیر و ببر و همچنین پوشاندن جامه زربفت یا وسایل گوهرنشان بر بدن حیواناتی مانند فیل و اسب از دیگر رسوم رایج آن دوره برای نشان دادن شکوه و جبروت دربار و یا احترام گذاشتن به میهمان بود. برای نمونه می توان به بار یافتن نماینده تور و سلم نزد فریدون شاه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۱۲/۱-۱۱۱) و گفتار «اندر رفتن سیاوخش از ایران زمین به ترکستان» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۸۳/۲-۲۸۱) اشاره داشت.

حفظ حرمت و عدم تعرض به فرستادگان

حفظ حرمت فرستادگان و عدم تعرض به آنها از دیگر مواردی است که در شاهنامه بدان اشاره شده است، از جمله در بار یافتن نماینده تور و سلم نزد فریدون شاه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۱۱-۱۱۲/۱) و در گفتار «اندر پیغام فرستادن قیصر روم نزد لهراسپ» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹) که به خصوص در مورد دوم، با وجود پیغام خصمانه‌ای که از سوی قیصر روم برای لهراسپ آورده می‌شود، لهراسپ در کمال احترام و شایستگی با فرستاده برخورد کرده و در پذیرایی او از هیچ کاری فرو نمی‌گذارد.

در حقیقت این رسم احترام به فرستادگان و اجتناب از تعرض به آنها از دوران باستان دارای اهمیت بسیار زیادی بوده است. البته شاید هر چه به پیش‌تر بازگردیم، این حقوق کم‌رنگ‌تر می‌شده‌اند و میزان احترام به فرستادگان رابطه مستقیم با نوع روابط دو کشور در آن برهه از زمان داشته است، البته این به معنای عدم امنیت فرستادگان نبود، اما لزوماً احترام فراوانی نیز نثار آنها نمی‌شد؛ «داستان سفیران یونانی در دربار ایران بر رابطه‌ای مبتنی بر جهت باد میان دربار و دولت‌شهرهای گوناگون یونان استوار بود» (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۱۰). اما با این وجود در منابع تاریخی به توجه شاهان در مراقبت از فرستادگان اشاره شده است. هرودوت در کتاب تاریخ خود به واقعه کشته شدن فرستادگان داریوش شاه به دست آتنی‌ها و اسپارت‌ها اشاره کرده و گفته است که در زمان خشایارشا، مردم لاکدائیمون^۱ (سرزمین اسپارت‌ها) بنا به دلایلی از کار خود پشیمان شده و دو بزرگ‌زاده اسپارتی را برگزیدند که به دربار شاه ایران رفته و به جبران آن رفتار، گردن خود را به تیغ پادشاه تقدیم کنند. اما هنگامی که این دو به دربار رسیدند، خشایارشا با بزرگ‌منشی این خواسته را رد کرده و می‌گوید که: این برخورد مردم لاکدائیمون را تلافی نخواهد کرد، چه آنها با کشتن فرستادگان ایران تمامی قوانین انسانی را زیر پا گذاشته و من نه کاری را که خود نفی می‌کنم، انجام خواهم داد و نه با کشتن شما عذاب وجدان مردم‌تان را آسوده خواهم ساخت (Herodotus, *the histories*. 3. 7. 134&136). از نمونه‌های دیگر در زمینه رفتار درست با فرستادگان و یا احترام به فرستادگان می‌توان به دوره پادشاهی بهمن اشاره کرد که بنا بر یکی از روایات، بهمن، بخت‌نصر را بفرمود تا به بیت‌المقدس رود و یهود را بیرون کند و سبب آن بود که فرمانروای بیت‌المقدس بر فرستادگان بهمن تاخته و بعضی از آنها را کشته بود (طبری، ۱۳۷۵: ۴۵۷/۲). در باب پادشاهی یزدگرد اول که پس از بهرام

^۱. Lacedaemon

چهارم روی کار آمد، طبری وی را یزدگرد بدکار نامیده و گفته که وی مردی خشن و سنگدل و فتنه‌گر و مکار بود و تندخوی و بدگمان و هیچکس را به چیزی امین نمی‌دانست و کس به جز فرستادگان ملوک دیگر با وی سخن گفتن نیارست (طبری، ۱۳۷۵: ۶۰۸/۲-۶۰۷). البته این موضوع دیدار یزدگرد با فرستادگان که طبری ذکر کرده، در تضاد با آن چیزی است که در شاهنامه فردوسی در باب «پادشاهی یزدگرد بزه‌گر» آمده و در آن اشاره شده که هیچ کسی را نزد شاه راه نبود، حتی فرستادگان و دادخواهان را (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳۶۳/۶).

در کتاب معجم‌البلدان در باره واژه برید از واحدهای سنجش فاصله، داستانی آورده شده که درونمایه‌اش احترام به فرستادگان است و چنین بیان کرده است که: به روزگار یکی از شاهان ایران^۱ برای شناسایی فرستادگان و به‌جا آوردن احترام لازم برای آنها، دم اسب‌هایشان را قطع می‌کردند و سپس اعراب این واژه را معرب کرده‌اند (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۳۵/۱).

شخصات و ویژگی‌های سفیر

از موضوعات مهم در امر دیپلماسی، انتخاب سفیری مناسب و کاردان است. فردوسی در ابیاتی به ذکر مشخصات یک فرستاده مناسب اشاره داشته و صفاتی از جمله تیزهوشی، هوشیاری، سخن‌وری، بینادلی، یادگیری، خردمندی، دانش، صاحب‌نظر و توانا بودن به انجام کار را برای او مطرح می‌کند و سخنانی در ذکر مشخصات فرستاده تور و سلم نزد شاه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۱۰/۱) و «گفتار اندر پیغام فرستادن قیصر روم نزد لهراسپ» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹) را در شاهنامه آورده است. سفرا و فرستادگان دربار هخامنشی از میان اشخاص بلندپایه انتخاب شده و دارای قدرت فراوانی بودند؛ تا جایی‌که در کنار درباریان، اعیان و زنان سلطنتی (به اتفاق ملتزمین دربار‌گونه خودشان)، سفیران نیز هنگامی که در سراسر امپراتوری سفر می‌کردند، می‌توانستند به نام شاه عهده‌دار نمایندگی اقتدار او شوند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۴۸). در حقیقت برخی از عناصر اساسی دربار را دیوانسالاران، خادمان درباری، مترجمان و مأموران ویژه (که دبیران شاه نامیده می‌شدند) و همچنین سفیران تشکیل می‌دادند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۴). از آن دوران اسنادی به جای مانده که از ارتباط مداوم فرستادگان دربار هخامنشی با دیگر جای‌ها خبر می‌دهد. برای مثال، نامه‌های مبادله شده میان آرشام (ساتراپ) در مصر با دربار سلطنتی ایران در آغاز قرن چهارم پیش از

۱. یاقوت حموی در کتاب خود، نام آن پادشاه را ذکر نکرده است.

میلاذ نشان می‌دهد که اشراف درباری که در خدمت شاه بودند، حتی زمانی که در دربار شاهنشاهی حضور نداشتند، گفتمانی پیوسته با قدرت مرکزی را ادامه می‌دادند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۹۲). سفیر می‌باید که وجهه فرمانروا و کشور خود را در کشور میزبان حفظ کرده و قدرت حکومت خود را به آنها نشان دهد. این موضوع از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، چنانکه در زمان مهرداد دوم اشکانی، لوکیوس کورنلیوس سولا،^۱ سردار رومی بعد از تسلط بر غرب آناتولی در صدد برآمد که با پادشاه اشکانی عهدنامه‌ای امضاء کند و مهرداد دوم سفیری نزد سولا فرستاد تا با رومیان قرارداد مودت و اتحاد منعقد سازد. سولا در جریان این نشست، تکبر و غرور بسیار از خود نشان داد و با نشان دادن اورباز/هورباز در کنار آریوبرزن اول پادشاه کاپادوکیه که دست‌نشانده رومیان بود، او را تحقیر کرد. این تحقیر چنان بر مهرداد دوم گران آمد که اورباز را پس از بازگشت به ایران به جرم آنکه شأن و منزلت شاهنشاهی اشکانی را حفظ نکرده است، به قتل رسانید (معتمد و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۱).

ساسانیان و بخشی از آداب درباری و تشریفات آنان

فردوسی در شاهنامه، بخش مفصلی را به شاهان ساسانی و آداب درباری و تشریفات آنها اختصاص داده است و در ارتباط با سیاست تشریفات دربار ساسانی از همه گویاتر ابیاتی است که در بخش «گفتار اندر بزرگی اردشیر بابکان» (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۲۱/۶-۲۲۰) آورده شده و به روشنی سیاست دربار ساسانی در برخورد با فرستادگان را نشان داده است. اهمیت دانستن این رسوم به‌ویژه در آن است که گرچه شاهان ساسانی خود وارث سلسله‌های پیشین بودند و میراث آنان را به صورت غیرمستقیم به دربارهای فرمانروایی پس از خود انتقال دادند، اما این دربار خود ساسانیان بود که میراث مذکور را با سیاست خود ترکیب کرده و سیاستی خاص را به‌وجود آورد که به‌طور مستقیم در حکومت‌هایی که پس از اسلام در ایران و خارج از ایران پدیدار شد، اثر گذاشت و بسیاری از مبانی آن توسط دیگران اتخاذ شد. نگاهی به این ابیات، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌ها با دربارهای پیش‌ساسانی است. برای مثال در ابیاتی از «گفتار اندر پیغام فرستادن قیصر روم به نزد لهراسپ»، فرستاده قیصر بیان می‌کند که از زمان ورود به خاک ایران کسی پی‌گیر کار و حال او نبوده است و تنها به‌سبب مهربانی که شاه نشانش داده حاضر به پاسخ راست دادن به وی است. (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۵-۵۹). اما در ابیات مربوط با اردشیر بابکان صراحتاً به این موضوع اشاره می‌شود

^۱. Lucius Cornelius Sulla

که از زمان ورود فرستادگان به خاک ایران، مرزبانان به کار فرستادگان رسیدگی کرده و هم از نیت آنها جويا شده و هم از ایشان پذیرایی کرده، همراه آنان راه‌بلدی را برای راهنمایی می‌فرستادند و در تمام راه از ایشان مراقبت و پذیرایی می‌شد تا به محل سکونت شاه برسند. از سوی دیگر نیز به نقش فعال شاه در دیدار با فرستادگان و پرس‌وجوی از ایشان اشاره می‌شود. منجمله در همان داستان لهراسپ و فرستاده قیصر. به نظر این رسمی کهن بوده است. در دوران اشکانیان هر مراجعه‌کننده به دربار باید نام، دیار، حرفه و دلیل مراجعه‌اش را اعلام می‌کرد و همه این اطلاعات در دفتری با توصیف فرد و لباس و سر و وضعش ثبت می‌شد. این سیاست حفاظتی و اداری احتمالاً پیش از آن در دربار هخامنشی نیز وجود داشته است (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۵۰). در دروازه ملل بنا شده به فرمان خشایارشا در تخت جمشید برای پذیرش فرستادگان، همه حاجتمندان و دادخواهان برای دیداری با پادشاه انتظار می‌کشیدند، در آنجا مأمورین امنیتی از آنها بازجویی می‌کردند و فقط پس از قانع شدن مأموران اجازه می‌یافتند وارد حیاط کاخ شوند. در اینجا پیک‌ها شامل خواجه‌ها با پیام‌ها در میان حیاط و تالار بار عام در آمدوشد بودند (لولین جونز، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

در شاهنامه به آمدن فرستادگان فراوان از جای‌جای جهان شناخته‌شده آن‌روزگار به دربار ساسانیان اشاره شده است و همچنین دیگر منابع نیز بدان اشاره داشته‌اند. برای نمونه در کارنامه اردشیر بابکان (فروشی، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۵) و یا تاریخ طبری چنین آمده که: انوشیروان پیوسته مظفر و فیروز بود و همه اقوام مهابت وی را به دل داشتند و فرستادگان‌شان از ترک و چین و خزر و امثال آن به در وی حاضر بودند و عالمان را گرمی می‌داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۴۵۶/۲).

به‌گفته بلعمی در دربار پادشاه ایران از زمان انوشیروان تا خسرو پرویز، همواره مترجمانی فیلسوف و مسلط به زبان‌های گوناگون رایج در سرزمین‌هایی چون روم، خزران، ترکستان، هندوستان و اعراب حاضر بودند که زبان پارسی را نیز نیک دانسته و می‌نوشته‌اند و هر گاه نماینده‌ای از آن سرزمین‌ها به دربار پادشاه می‌آمد، حضور داشته‌اند. این خود گستره روابط سیاسی میان ایران و دیگر کشورها را نشان می‌دهد (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹۹/۲-۱۰۹۸).

در کتاب *تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم* در بخش «ذکر عاده فی اتحاد الوفود» نیز مواردی در خصوص سفرا و آئین پذیرش در عهد ساسانی آمده است (بی‌نا). ۱۳۷۳: ۱۸۷-۱۸۶). مجموعه‌ای از این آداب در منابع گوناگون در عصر ساسانی را کریستنسن گرد آورده است و چنین می‌گوید که: «ساسانیان با سفرای بیگانه به لطف و

آداب و تشریفات دیپلماتیک در ایران باستان از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی □ ۲۱

خوشی سلوک می‌کرده‌اند و همینکه فرستاده‌ای از جایی می‌آمد، مرزبان از حال او آگاه می‌شد و بعد حلت و تشویقی سزاوار قد او بر وی می‌آراستند و با آئینی که واردش کرده بودند، باز به سرحد می‌رسانیدند» (کریستنسن، ۱۳۱۴: ۱۱۴-۱۱۳).

شرحی کوتاه در مورد جدول‌ها

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، منابع پژوهش حاضر به دو دسته عمده شفاهی و مادی تقسیم می‌شوند. منابع شفاهی عبارتند از ادبیات و تاریخ شفاهی که سینه به سینه منتقل شده تا اینکه عمدتاً در دوران ساسانیان و پس از آن به نگارش درمی‌آیند (تفضلی، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳) و منابع مادی عبارتند از یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون تاریخی به جای مانده و آنچه از مجموع این منابع حاصل شده است، به صورت خلاصه در دو جدول شماره ۱ و شماره ۲ آورده شده است.

در جدول شماره ۱ به دلیل باقی ماندن شواهد مدون محدود در خصوص آداب و تشریفات دیپلماتیک دوران هخامنشی و به‌ویژه دوران اشکانی سعی شد تا جدولی برای شاهان اساطیری ایران که آنها را برابر با شاهان ماد و هخامنشی در نظر می‌گیرند، از منظومه ماندگار شاهنامه فردوسی بیرون آورده شود و باید گفت که اینها خود چکیده‌ای از ادبیات و تاریخ شفاهی دوران باستان ایران است. همچنین در تهیه این جدول به کتیبه‌های هخامنشی و معدود داده‌ها از دوران اشکانی نیز توجه شده است. جدول شماره ۲ نیز از منابع به جای مانده مرتبط با آداب و تشریفات دیپلماتیک عصر ساسانی فراهم شده است.

جدول ۱- تشریفات دربار پادشاهان اساطیری / پیش‌ساسانی ایران (تدوین شده به دست نگارندگان)

- ۱- رسم پرده‌نشینی بزرگان و داشتن پرده‌دار برای معرفی مهمان به حضور پادشاه
- ۲- رسم نماز بردن (تعظیم) و سجده کردن و زمین‌بوسی پیش پای شاه
- ۳- فرستادن پیشکش برای شاه ایران
- ۴- رسم نوشتن نامه بر حریر و معطر کردن آن به مشک و عنبر و گلاب در خور مقام بزرگان
- ۵- رسم بر تخت نشستن و تاج بر سر نهادن شاه در باریابی فرستادگان و حضور بزرگ‌زادگان دربار در مراسم باریابی
- ۶- استقبال از بزرگ‌زادگان در بیرون از شهر و استقبال مردم در شهرها از مهمانان و برپایی مجالس بزم و سرگرم برای مهمان
- ۷- حفظ حرمت فرستادگان و عدم تعرض به آنها
- ۸- فرستادن هدیه و خلعت از جانب شاه برای میهمانان و زیردستان خود
- ۹- آراستن هر چه بیشتر کاخ و نمایش حیوانات باشکوه یا کمیاب، همچنین پوشاندن جامه زربفت یا وسایل گوهرنشان بر بدن حیواناتی چون فیل و اسب برای نشان دادن شکوه و جبروت دربار و یا احترام گذاشتن به میهمان

جدول ۲- تشریفات دربار ساسانی (تدوین شده به دست نگارندگان)

- ۱- آگاهی از ورود فرستاده به محض رسیدن به خاک ایران توسط مرزبان آن ناحیه
- ۲- آگاه ساختن دیگران از ورود فرستاده توسط مرزبان و برآوردن نیازهای فرستاده مانند جای خواب و خورد و خوراک در تمام طول راه
- ۳- آگاهی‌یافتن وزیر دربار از آمدن فرستاده و هدف وی از سفر و فرستادن اشخاصی برای خبر کردن شاه
- ۴- رفتن سپاه به پیشباز فرستاده
- ۵- آراستن تخت شاهی برای بار دادن به هنگام رسیدن فرستاده
- ۶- صف کشیدن زیردستان شاه در دو سوی مسیر راه سفیر برای نزدیک شدن به تخت شاه با در داشتن جامه‌های زربفت
- ۷- اشاره شاه برای نزدیک شدن فرستاده به تخت و نشان دادن وی نزدیک خود و گفتگوی شاه با فرستاده و تلاش برای پی بردن به نیت فرستاده و سروری که او را فرستاده است و اوضاع و احوال کشوری که از آن آمده، وضعیت قوای نظامی، آئین و مذهب آنان و موارد دیگر
- ۸- سپردن فرستاده به فرستاده‌دار و بردن فرستاده به داخل کاخ و رسیدگی به نیازهای او
- ۹- دعوت فرستاده توسط شاه به صرف غذا بر سر سفره شاهی و باده‌نوشی و نشان دادن وی بر جایگاهی بلندمرتبه و کرسی زربفت
- ۱۰- رفتن فرستاده به شکار همراه شاه و لشکریان وی (سرگرم ساختن فرستاده)
- ۱۱- دادن خلعتی شاهانه به فرستاده توسط فرستاده‌دار و از سوی پادشاه ساسانی به هنگام گسیل داشتن فرستاده به موطن خود با همان آئین هنگام ورود

نتیجه‌گیری

در ایران پیش از ورود اسلام، آداب تشریفات خاصی بر سلسله‌های حاکم حکمفرما بوده است. بنا بر آنچه از شواهد و مدارک به جای مانده می‌بینیم، با گذشت زمان و هر چه به دوران پایانی یعنی ساسانیان نزدیک می‌شویم، این آداب و تشریفات سروسامان بیشتری یافته است. دودمان هخامنشی نخستین امپراتوری را در ایران و البته در عرصه جهان شناخته‌شده آن روزگار بنا نهادند و بر بسیاری از کشورهای دور و نزدیک فرمانروایی داشته و با بسیاری دیگر از کشورها نیز در ارتباط بودند. این دودمان از بسیاری عناصر آداب و تشریفات که پیش از آنها در منطقه میان‌رودان، ماد و عیلام رواج داشت، بهره گرفتند. اما به نوبه خود، آداب و تشریفات تازه را نیز افزوده یا بهبود بخشیدند. فرهنگ تشریفات که در این دوره به دست هخامنشیان بنا نهاده یا تثبیت شد، حکومت‌های بعدی شامل اشکانیان و ساسانیان (و حتی پس از اسلام که موضوع کار این مقاله نیست) را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داد و به گونه‌ای حیات آن ادامه یافت. با این همه، نظر به کمبود شواهد و مدارک از دوره هخامنشی و به‌ویژه اشکانی و با نگاهی به جداول تهیه‌شده، چنین به نظر می‌رسد که این آداب و تشریفات در دوران ساسانی صورت سامان‌یافته‌تری به خود گرفت و در دوره‌های پس از ورود اسلام نیز سرمشق مستقیم برای دربارهای اسلامی ایرانی و غیرایرانی شد و تا سده‌ها اثر خود را بر جای گذاشت. همچنین نگاهی به جدول‌های شماره ۱ و ۲ نشان می‌دهد که گرچه موارد آورده شده در هر دو جدول دارای مشابهت بسیار است، اما جدول شماره ۲ کامل‌تر از جدول شماره ۱ به شمار می‌رود.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آشنا، حسام‌الدین و نادر جعفری هفت‌خوانی، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، پیوندها و اهداف»، دو فصلنامه دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش. ۵، صص. ۲۰۵-۱۷۹.
- ایمان‌پور، محمدتقی، علی یحیایی و زهرا جهان، «گسترش آئین‌های درباری و جشن‌های ایران باستان در عهد آل بویه». نیم‌سال‌نامه مطالعات تاریخی و تمدن ملل اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، سال اول، ش. ۱، صص. ۵۶-۳۷.
- بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد. ۱۳۵۳، تاریخ بلعمی (تکمله و ترجمه تاریخ طبری)، چاپ دوم، به تصحیح: محمدتقی ملک‌الشعراى بهار و به کوشش: محمد پروین گنابادی، تهران: چاپخانه تابش.
- بیژنی، مریم. «دیپلماسی در گذر زمان»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، ش. ۲۲۱ و ۲۲۲، صص. ۱۲۹-۱۱۸.

- [بی‌نا]. ۱۳۷۳، *تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم* (با عنوان اصلی *نهایه الارب فی اخبار الفرس و العرب*)، به تصحیح: رضا انزایی نژاد و یحیی کلانتری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- حبیبی، کوثر، *تشریفات دربار ایران عصر صفوی با تمرکز بر سفرنامه‌های اروپایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و ایران‌شناسی، تابستان ۱۳۹۶.
- درویشی، ندا و سارا نریمانی، «نقش نمادین گل لاله و گل انار در کاشی کاری ایران و ترکیه عثمانی»، *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۴۰۱، سال دهم، فروردین ماه، شماره ۳۵، صص. ۲۸-۲۳.
- دیاکونف، م. م. ۱۳۵۱، *اشکانیان*، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
- طبری، محمدبن جریر. ۱۳۷۵، *تاریخ طبری*، به تصحیح و ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: نشر اساطیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۶۶، *شاهنامه*، به تصحیح: *جلال خالقی مطلق*، طبع انتقادی شاهنامه، به کوشش: احسان یارشاطر، نیویورک: نشر Bibliotheca Persica.
- فرووشی، بهرام، ۱۳۹۰، *کارنامه اردشیر بابکان*، تهران: دانشگاه تهران.
- گریستنسن، آرتور، ۱۳۱۴، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه و تحریر: مجتبی مینوی، تهران: نشریات کمیسیون معارف، مطبعه مجلس.
- گرگانی، فخرالدین اسعد، [بی‌تا]، *ویس و رامین*. به تصحیح: مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی فخر رازی.
- گنجی دوست، محمد، ۱۳۸۷، *تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات، فصلنامه سیاست*، بهار ۱۳۸۷، دوره ۳۸، ش. ۱، صص. ۲۱۲-۱۸۵.
- لوکوک، پی‌یر، ۱۳۸۹، *کتیبه‌های هخامنشی*، ترجمه: نازیلا خلخالی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- لولین جونز، لوید، ۱۳۹۴، *شاه و دربار در ایران باستان*، ترجمه: فریدون مجلسی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- مجتهدی، محمدرضا، «سیری در دیپلماسی و تحول تاریخی آن»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۱۳۷۷، ش. ۱۶۹، صص. ۱۲۸-۱۰۳.
- مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۷۴، *مروج الذهب و المعادن الجواهر*، جلد اول، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- معتد، افسانه، احمد کامرانی فر و ناصر جدیدی، «بررسی و واکاوی شاخصه‌های دیپلماسی سیاسی عصر اشکانی»، *فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ*، ۱۴۰۰، سال شانزدهم. تابستان، شماره ۶۳، صص. ۴۵-۲۷.
- منشادی، مرتضی و وحید بهرامی، «آداب سفارت و آئین مذاکره در شاهنامه»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۳۹۳، سال دوم، بهار و تابستان، ش. ۲ (پیاپی ۴)، صص. ۱۳۴-۱۱۷.
- موسوی حاجی، سید رسول و سرور خراشادی، «پژوهشی در مناصب درباری عهد ساسانی با استناد به منابع تاریخی و شواهد کتیبه‌ای»، *مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۱۳۸۹، سال چهارم، پائیز و زمستان، ش. ۷، صص. ۲۰۲-۱۸۳.
- نوایی، عبدالحسین، «تاریخ روابط ایران با کشورهای مغرب زمین در دوران مغول»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ۱۳۵۶، ش. ۶۹ (ش. ۱ در سال دوازدهم)، صص. ۱۳-۵۲.
- یاقوت حموی بغدادی، ۱۳۸۳، *معجم البلدان*، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

لاتین:

Herodotus, 1922, *The Histories (The Persian Wars)*, Translated by A. D. Godley, Leob Classical Library, Harvard University Press, Volume III. Book VII. Chapters 134&136.,https://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Herodotus/7B*.html

Introduction to Diplomatic Protocol Etiquette. n.d. Oxford Management Centre.,<https://oxford-management.com/course/introduction-to-diplomatic-protocol-etiquette#:~:text=Diplomatic%20Protocol%20Etiquette%20is%20about,and%20cultural%20rules%20and%20customs>.

Kurbalija, Jovan. 2021, *Ancient Diplomacy: What Can It Teach US? Diplomacy and Technology: A Historical Journey*; Diplofoundation. <https://forum.diplomacy.edu/ancient-diplomacy>

Xenophon, 1914, *Cyropaedia*, Book 8, Chapter 6, Section 17. Xenophon in Seven Volumes, 5 and 6. Walter Miller, Harvard University Press, Cambridge, MA; William Heinemann, Ltd., London. <https://www.perseus.tufts.edu/hopper/text?doc=Perseus%3Atext%3A1999.01.0204%3Abook%3D8%3Achapter%3D6%3Asection%3D17>

Xenophon, 2001, *The Education of Cyrus*, Translated & Annotated by Wayne Ambler, Book VIII. Chapter 4. P 254 Publisher: Ithaca, Cornell University Press. https://archive.org/details/educationofcyrus00xeno_1/page/n5/mode/2up.

